

Analyzing the Quranic and Hadith (narrative) Foundations of Belief in the Effect of the Verse "En Yakad" to Prevent the Evil Eye

Ismail Esbati *

Assistant Professor, Department of Islamic Philosophy and
Theology, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

1. Introduction

Verses 51 and 52 of Surah Qalam are famous and common among people. These verses are known as "En Yakad" verses. He says in these verses: And the Unbelievers would almost trip thee up with their eyes when they hear the message; and they say: "Surely he is possessed"! But it is nothing less than a Message to all the world.

Most people believe that this verse prevents the evil eye. Therefore, this verse has become famous among people. This article examines the origin of this belief and its validity. To achieve this goal, this verse has been examined from three perspectives.

2. Literature Review

Most commentators have considered this verse to be related to the evil eye. This verse is also used in books and articles related to the evil eye. But this issue has received less attention independently. Ali Akbar Kalantari in the article "Interpretative study of the relationship between the verse and En-Yakad and the problem of the bad eye" (Tafsir al-Studies, Summer 2017) considered the connection of this verse with the problem of the bad eye without sufficient reason, and Fatemeh Qurbani Laktarashani and Habibullah Halimi Jellodar in the article "Credit the evaluation of Hasan Basri's narration on the effectiveness of the verse and An-e-Kad in warding off the evil eye" (Hadith Pazhuhi, Spring and Summer 2019) also rejected the effect of this verse in warding off the evil eye. In this article, more information

* Corresponding Author: esbati@atu.ac.ir

How to Cite: Salehi, M., Salehi, M., Salehi, M. (2024). Analyzing the Quranic and Hadith (narrative) Foundations of Belief in the Effect of the Verse "En Yakad" to Prevent the Evil Eye, *A Research Journal on Qur'anic Knowledge*, 14(55), 181-213. DOI: 10.22054/rjqk.2023.74934.2851

has been collected and analyzed, and various narrations about the revelation of the verse have been extracted. In addition to that, the documentary review and evaluation of the credibility of the hadiths have also been done. In the analysis and review stage, several evidences and reasons have been presented regarding the criticism of the famous interpretation and the presentation of other interpretations of the verse.

3. Methodology

In the present article, with the descriptive-analytical method, Shia and Sunni traditions about the story of the revelation of the verse have been analyzed and examined, then different views on the interpretation of the verse have been examined, and finally, the use of the verse as a warding off the evil eye has been examined.

4. Results

4-1- Investigating the reason for issuing the verse

In Shiite books, there is a story about the revelation of this verse . This narration has a chain of authentic narrators. There are other narrations in this context.

These hadiths say that this verse was revealed in Ghadir Khum . On this day, the Prophet chose Imam Ali (PBUH) as his successor. When the Prophet took the hand of Ali (PBUH) and raised it, some people were upset.

One of the people said: Look at the Prophet's eyes, which move like the eyes of a madman .At this time Gabriel brought these verses.

Another story is narrated in Sunni books. Wahidi (468 AH) says: This verse was revealed when the Quraysh wanted to kill the Prophet . He narrates from Kalbi that :There was a person who did not eat anything for three days, and when he looked at the herd of camels, he said, "I have never seen a more beautiful herd today."Some of them would die soon .The infidels asked this person to harm the Prophet with the evil eye, but God protected the Prophet and this verse was revealed. Kolbi (140 or 146 AD) did not quote the chain of narrators for his narration.

4-2- Interpretation of the verse

Most commentators have associated this verse with the evil eye.

It is very likely that believing in the influence of the evil eye and the story that Kalbi narrated caused such an interpretation of the verse.

Influence

Some commentators have considered the meaning of the verse as an "angry and hostile look" and have denied the connection of the verse with the issue of "evil eye". This view has been proposed since the first Islamic centuries and is compatible with literary rules. The term "Ezlaq bi-al-absar" is not used among Arabs for the evil eye.

Based on this, the interpretation of the verse, as mentioned by Zamakhshari, is that they will slide you from your place or destroy you by the intensity of their sharp gaze with eyes full of anger and malice. This interpretation is derived from the saying of the Arabs who say: He looked at me in such a way that he was about to knock me to the ground and was about to eat me, that is, if he could knock me to the ground and destroy me with his gaze or eat me, he would definitely do this.

4-3-Using this verse to avoid the evil eye

One of the uses of this verse is to use it as a charm against the evil eye.

In the Shiite sources, no authentic narrations and reasons were found to show that this verse is effective for warding off sore eyes.


The only reason for this belief is Hassan Basri's statement, which has been mistakenly attributed to Imam Hassan (a.s.) in some late Shiite sources.

In Sunni sources, Hassan Basri is quoted as saying that the cure for an evil eye is to read this verse. Tha'labi (427 AH) is the oldest source that narrated this report. People like Tabari (310 AH) who quoted the words of the commentators of the Sahaba and Tabi'in with a chain of transmission about this verse, did not mention the words of Hassan Basri in this regard.

On the assumption of accepting the attribution of this saying to Hasan Basri, it seems that this saying of Hassan Basri is due to the interpretation that has been presented for this verse, because Hassan Basri did not attribute this saying to the Prophet (PBUH) or even the Companions in any source.

Keywords: Bad Eye, Ayah En Yakad, Interpretive Narrations, Amulets.

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم

اسماعیل اثباتی *  استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

چکیده

آخرین آیات سوره قلم از مشهورترین آیات بین مردم است که به آیه «وَإِنْ يَكَادُ» مشهور است. شهرت و رواج این آیه در بین مردم بیشتر از آن جهت است که به عنوان حرزی در برابر چشم زخم شناخته شده است. در این نوشتار به ریشه یابی این باور پرداخته شده است. در منابع اهل سنت روایتی به نقل از کلبی گزارش شده که نشان می دهد در پی تلاش مشرکان برای آسیب رساندن به پیامبر از طریق چشم زخم این آیه نازل شد. این شان نزول باعث شده بیشتر مفسران نیز این آیه را مرتبط با چشم بدانند در حالی که این روایت معتبر نیست و روایات صحیحی در منابع شیعی نزول این آیات را مرتبط با موضوع امامت دانسته اند. برخی از مفسران منظور از آیه رانگاه از روی خشم و دشمنی دانسته و ارتباط آیه با مسأله چشم زخم را انکار کرده اند. از سویی هیچ روایت و دلیل معتبری که نشان دهد این آیه برای دفع چشم زخم مؤثر است یافت نشد، تنها مستند این باور قول حسن بصری است که به پیامبر (ص) منتسب نشده و احتمالاً برداشت او از آیه بوده است و در برخی منابع متأخر شیعه به اشتباه به امام حسن (ع) منتسب شده است.

کلیدواژه‌ها: وَإِنْ يَكَادُ، شأن نزول، امامت، چشم زخم، تفسیر.

۱. مقدمه

یکی از نشانه‌های تأثیر فرهنگ اسلامی در بین مردم استفاده از آیات و روایت در زندگی روزمره آنها است. برخی از آیات قرآنی در بین مردم گسترش بیشتری داشته تا جایی که در خارج از اماکن مذهبی نیز می‌توان تابلوها و نوشته‌هایی را یافت که مزین به این آیات شده‌اند. «بسم الله الرحمن الرحيم» و «آیه الکرسی» از این دست آیات هستند. به نظر می‌رسد علاوه بر مضامین عالی این آیات و ثواب‌های زیادی که برای قرائت آنها بیان شده، کاربردی و ملموس بودن آنها نیز در این گسترش مؤثر بوده است. بر این اساس مردم با نگارش و نصب این آیات قرآنی در محل زندگی یا کسب خود یا همراه داشتن آنها با خود به دنبال کسب خیر از این آیات و دفع شر هستند. یکی از مشهورترین این موارد آیه «وان یکاد» است که به صورت‌های مختلف مانند گردن‌بند، آویزهای داخل منازل یا خودروها، تابلوهای نقاشی و خط، کاشی کاری‌ها و... مشاهده می‌شود. تصور عمومی مردم این است که همراه داشتن این آیه، یا نصب آن در محل زندگی یا کار باعث دفع چشم زخم می‌شود. در نوشتار حاضر تلاش می‌شود منشاء این باور عمومی شناسایی شده و پس از آن مبانی شکل‌گیری این اعتقاد مورد سنجش و ارزیابی قرار گیرد.

۱-۱. روش پژوهش

نوشتار حاضر از شیوه توصیفی و تحلیلی بهره گرفته است به این منظور با تتبع بسیار روایات مختلفی درباره شأن نزول آیه از منابع شیعه و سنی استخراج، بررسی و تحلیل شده است. در مرحله بعد تفسیر آیه بررسی شده و دیدگاه‌های مختلف طرح و نقد شده است و در نهایت به مسأله کاربرد آیه به عنوان دفع چشم زخم پرداخته شده و دلایل این باور بررسی شده است.

۱-۲. پیشینه پژوهش

مفسران عموماً در تفسیر این آیه، آن را مرتبط با چشم زخم دانسته‌اند اما این موضوع به صورت مستقل کمتر مورد توجه قرار گرفته است. علیرضا ملاحسنی در کتاب چشم زخم در قرآن، روایات، تاریخ و فرهنگ (ملاحسنی، ۱۳۹۰: سرتاسر اثر) سه آیه از قرآن از جمله آیه «وإن یکاد» را مرتبط با چشم زخم و مؤید وجود آن دانسته است. این اثر بیشتر در حد جمع‌آوری و دسته‌بندی ناقص اطلاعات درباره این سه آیه است. مهدی اکبر نژاد و روح‌الله محمدی در مقاله «کنکاشی در مقوله شورچشمی (چشم زخم) در قرآن و روایات» (اکبر نژاد و محمدی، ۱۳۸۸: ۶۷ - ۹۰) با نگاه جدی‌تری به مسأله پرداخته‌اند اما مجال اندک بحث در حد یک مقاله درباره ماهیت چشم زخم، آیات و روایات مربوط به آن، زمینه را برای بحث مفصل درباره موضوع سلب کرده است. روح‌الله محمد علی نژاد عمران (محمد علی نژاد عمران، ۱۳۹۹: ۴۹ - ۵۸) و اصغر کریمی رکن آباد (کریمی رکن آباد، اصغر و دیگران، ۱۳۹۴: ۷۳ - ۹۲). نیز به صورت عام‌تری به مسأله چشم زخم نگریسته‌اند و آیه «وإن یکاد» را مطابق نظر مشهور مرتبط با چشم زخم دانسته‌اند. علی اکبر کلاتری در مقاله «بررسی تفسیری ارتباط آیه و ان یکاد و مسأله چشم زخم» (کلاتری، ۱۳۹۷: ۷-۲۴) ارتباط این آیه با مسأله چشم زخم را بدون دلیل کافی دانسته و فاطمه قربانی لاکتراشانی و حبیب‌الله حلیمی جلودار در مقاله «اعتبار سنجی روایت حسن بصری در کار آمدی آیه و ان یکاد در دفع چشم زخم» (قربانی لاکتراشانی و حلیمی جلودار، ۱۳۹۹: ۷۵-۹۸) نیز تاثیر این آیه در دفع چشم زخم را رد کرده‌اند. اما این دو نوشته در عین ارزشمند بودن دارای نواقصی در مرحله تتبع و گردآوری اطلاعات و همچنین تحلیل و بررسی آن هستند.

۲. شأن نزول آیه

آیات ۵۱ و ۵۲ سوره قلم که آخرین آیات این سوره است به آیه «وإن یکاد» مشهور است. «وإن یکادُ الذین کفروا لئیزلقونک بأبصارهم لَمَا سَمِعُوا الذکرَ ویقولون إنه لمجنونٌ ومَا هُوَ إِلَّا ذکرٌ للعالمین». و کافران چون قرآن را شنیدند نزدیک بود که تو را با چشمان خود به

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۱۸۷

سر درآوردند، (فولادوند: چشم بزنند، معزی: بلغزانندت با دیدگان خویش) و می گویند که او دیوانه است و حال آنکه قرآن برای جهانیان جز اندرزی نیست (ترجمه آیتی).

۲-۱. روایات شأن نزول در منابع شیعه

۲-۱-۱. روایت اول

شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی از حسان جَمال روایت کرده اند که گفت: امام صادق (علیه السلام) را از مدینه تا مکه بردم، پس چون به مسجد غدیر رسیدیم، به سمت چپ مسجد بنگریست، و فرمود: این جای قدم رسول خدا (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) است، آنجا که فرمود: «هر که من مولى و سرپرست اویم پس علی مولى و سرپرست او است». سپس به طرف دیگر بنگریست، و فرمود: این جای خیمه ابو فلان و فلان (در نقل صدوق «منافقین» آمده) و سالم مولى ابی حذیفه، و ابی عبیده بن الجراح است. پس چون او را در حال بلند کردن دستش دیدند، یکی از ایشان گفت: به چشمانش بنگرید، که چگونه برگردش درآمده اند، چنان که به دو چشم دیوانه ای میمانند! پس جبرئیل علیه السلام فرود آمد، و این آیه را بیاورد: «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ، وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ، وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» (قلم/۵۱-۵۲) در نهایت امام صادق فرمودند اگر تو شتربان من نبودی این روایت را برای نقل نمی کردم (ر.ک؛ صدوق، بی تا، ج ۱: ۲۳۰، ج ۲: ۵۵۹-۵۶۰؛ طوسی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۲۶۳؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۴: ۵۶۰).

۲-۱-۱-۱. بررسی سند روایت

شیخ صدوق سندی برای روایت نقل نمی کند و شیخ طوسی نیز با همان سند شیخ کلینی روایت را گزارش کرده است. به همین دلیل سند شیخ کلینی نقل و بررسی می شود. کلینی مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ الْحَجَّالِ عَنْ عَبْدِ الصَّمَدِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَسَّانِ الْجَمَّالِ قَالَ حَمَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ... (همان).

الف) محمد بن یحیی

محمد بن یحیی از مشایخ کلینی است و برخی پنداشته‌اند وی محمد بن یحیی، صاحب کتاب نوادر است که نجاشی او را ثقه عین معرفی کرده است (ر.ک؛ کلاتری، ۱۳۹۷: ۱۶) در حالی که وی از اصحاب امام صادق (ع) و ملقب به الخزاز است (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۵۹) و بیش از ۱۵۰ سال با شیخ کلینی فاصله دارد. محمد بن یحیی که استاد شیخ کلینی است، ابو جعفر محمد بن یحیی عطار اشعری قمی است (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۸) مقدمه حسین علی (محفوظ). نجاشی درباره وی عبارت «ثقه عین کثیر الحدیث» را به کار برده و او را صاحب «مقتل الحسین (ع) و النوادر» دانسته است (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۵۳).

ب) محمد بن الحسین

محمد بن حسین که شیخ کلینی با یک واسطه از او نقل می‌کند و محمد بن یحیی هم از او نقل می‌کند همان محمد بن حسین بن ابی الخطاب است (مقایسه کنید: نجاشی، ۱۴۱۶: صص ۱۸۱، ۳۰۹، ۴۵۵ را با کلینی، ۱۳۶۳: ج ۱، صص ۸۶، ۱۰۷، ۱۴۴) نجاشی او را از بزرگان اصحاب امامیه و در امر حدیث بسیار مورد اعتماد دانسته و با عباراتی مانند «جلیل من اصحابنا، عظیم القدر، کثیر الروایه، ثقه، عین، حسن التصانیف، مسکون الی روایت» ستوده است. او صاحب کتاب‌هایی مانند «الامامه، النوادر، الرد علی اهل القدر، التوحید و...» است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۳۴).

ج) الحجال

برخی به اشتباه نام راوی را جمال ثبت کرده و آن را مشترک بین چند نفر دانسته‌اند (کلاتری، ۱۳۹۷: ۱۶) در حالی که در همه منابع نام راوی حجال ثبت شده است. چندین نفر با عنوان الحجال معرفی شده‌اند از جمله ابو محمد حسن بن علی الحجال که شریک تجاری ابن ولید (۳۴۰ق) بود (نجاشی، ۱۴۱۶: ۴۹) و احمد بن سلیمان الحجال که احمد بن محمد بن خالد برقی (۲۷۹ق) کتابش را روایت کرده است (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۰۰).

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۱۸۹

با جست و جو در روایت‌هایی که در آنها محمد بن حسین از حجال روایت نقل کرده می‌بینیم که در برخی از این روایت‌ها نام وی به صورت کامل آمده است. «محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن عبدالله بن محمد الحجال» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۱۳۳، صدوق، ۱۳۶۲: ۲۲۲) «عن عبد الله بن محمد {بن} الحجال الأسدی» (صدوق، بی تا: ج ۴: ۵۲۵) «عن ابی محمد الحجال» (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۱۰۲) نجاشی در معرفی این شخص می‌نویسد: «عبدالله بن محمد الأسدی، مولا هم، کوفی، الحجال المزخرف، أبو محمد، وقیل إنه من موالی بنی تیم، ثقة ثقة، ثبت له کتاب» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۲۶).

د) عبدالصمد بن بشیر

نجاشی وی را چنین معرفی می‌کند: «عبدالصمد بن بشیر العرامی العبیدی مولا هم، کوفی، ثقة ثقة، روی عن ابی عبد الله» (علیه السلام) (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۲۴۸).

هـ حسان جمال

نجاشی می‌نویسد: «حسان بن مهران الجمال مولی بنی کاهل من [بنی] أسد، وقیل: مولی لغنی - أخو صفوان، روی عن ابی عبد الله وأبى الحسن علیهما السلام، ثقة ثقة، أصح من صفوان و أوجه له کتاب یرویه عده من أصحابنا» (نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۴۷).

بر این اساس تمام راویان حدیث توثیق شده بلکه به صورت موکد توثیق شده‌اند و سند روایت صحیح است. علامه حلی، علامه مجلسی و محمد تقی مجلسی نیز سند روایت را صحیح می‌دانند (ر.ک؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ۶: ۳۱۷؛ مجلسی اول، ۱۴۱۶: ۳ و ۲۲۴؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۱۸ و ۲۸۳).

۲-۱-۲. روایت دوم (روایت ابن حُجّام از حسان جمال)

روایت قبلی را محمد بن عباس بن ماهیار با اندکی اختلاف و با سندی دیگر از حسان

۱. کلمه «بن» به اشتباه آمده چون در ادامه شیخ صدوق سند دیگری را به این صورت به سند قبلی اضافه می‌کند: عن عبد الله بن محمد بن عیسی، عن الحجال، عن ثعلبه.

جمال از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است.

حسان جمال می گوید امام صادق (علیه السلام) را از مدینه به مکه آوردم وقتی به غدیر خم رسید به من نگاه کرد و فرمود: اینجا جای قدمهای رسول خدا (ص) است وقتی که دست علی (علیه السلام) را گرفت و گفت «من كنت مولاة فهذا علی مولاة» در حالی که در سمت راست خیمه چهار نفر از قریش بودند، امام اسامی آنها را به من گفت، هنگامی که به ایشان نگاه کردند در حالی که سفیدی زیر بغل امام مشخص شد گفتند: به چشمانش نگاه کنید که دگرگون شده و گویا چشمان مجنون است، پس جبرئیل آمد و فرمود بخوان «وَإِنْ يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» و ذکر امیرالمومنین (علیه السلام) است. به امام گفتم خدا را سپاس که این را از طریق شما به گوش من رساند. امام فرمود: اگر نبود که تو شتربان من هستی این را برایت نقل نمی کردم، چون اگر تو این را از من روایت کنی از تو نمی پذیرند. جمله آخر در بعضی نسخه ها نیامده (ر.ک؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۷، ج ۲: صص ۷۱۳-۷۱۴).

علامه مجلسی توضیح می دهد که از این جهت مردم سخن تو را تصدیق نمی کنند که به کلام شتربانان اعتماد نمی کنند یا از این جهت که در موارد زیادی بین شتربان و راکب اختلاف پیش می آید (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۰: ۲۵۹) یعنی اگر این روایت را نقل کنی که در آن خلیفه اول و دوم مورد طعن قرار گرفته اند در این صورت کسی از تو نمی پذیرد چون کسی به حرف یک شتربان در این زمینه اعتماد نمی کند یا اینکه فکر می کنند به خاطر نزاعی که با من داشته ای این روایت را جعل کرده ای تا برای من مشکلی ایجاد شود از این جهت آن را از تو نمی پذیرند.

۲-۲. بررسی سندی روایت

محمد بن عباس بن ماهیار معروف به ابن حُجّام که فردی مورد اعتماد بود (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۷۹) در تفسیرش این روایت را نقل کرده است. این کتاب در اختیار ابن طاووس، سید شرف الدین عاملی (۹۴۰ یا ۹۶۵ق) و سید هاشم بحرانی بوده و از آن نقل کرده اند (ر.ک؛ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۲۴۲).

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۱۹۱

قال محمد بن العباس (رحمه الله): حدثنا حسن (في بعض النسخ حسين) بن أحمد المالكي، عن محمد بن عيسى، عن يونس بن عبد الرحمن، عن عبد الله بن سنان عن حسان الجمال قال: حملت أبا عبد الله عليه السلام من المدينة إلى مكة....

الف. در این سند چنان که گذشت محمد بن عباس و حسان جمال توثیق شده‌اند.

ب. در منابع رجالی درباره حسن بن احمد مالکی و برادرش حسین توثیق یا تضعیفی وارد نشده است. شیخ طوسی حسن را در زمره اصحاب امام عسکری (ع) دانسته است (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۵: ۳۹۸) او کتاب‌های افرادی مانند محمد بن ولید شهاب صیرفی (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۱۵۶) کتاب الدیات عبد الله بن ابجر که به نام اصل ظریف بن ناصح مشهور شده (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۶: ۲۱۷) مسائل محمد بن فرج رخجی (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۶: ۳۷۱) مروان بن مسلم (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۶: ۴۱۹)، مسائل ابراهیم بن ابی محمود خراسانی از امام رضا (ع) (ر.ک؛ طوسی، ۱۴۱۷: ۴۱) و کتاب علی بن یقطين (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۷: ۱۵۵) را روایت می‌کند. روایات نقل شده از او نشان دهنده باور صحیح او در باره امامت و اهتمام به امور دینی است (به عنوان نمونه نک: طوسی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۴۸۷-۴۸۸، ابن بابویه، ۱۴۰۴: ۶۴، صدوق، ۱۴۰۴، ج ۱: ۲۷۱، صدوق، ۱۳۶۲ش: ص ۲۰۲ و...) برخی از رجالیان متاخر با استناد به مضمون روایاتش سلامت و صحت اعتقادی او را ثابت می‌دانند (نمازی، ۱۴۱۲، ج ۲: ۳۴۶ و ج ۳: ۹۰)

۳- محمد بن عیسی بن عبید بن یقطين شاگرد یونس و فردی مورد اعتماد است که از امام جواد (ع) روایت نقل می‌کند (ر.ک؛ نجاشی، ۱۴۱۶: ۳۳۳) یونس بن عبد الرحمن از محدثان بزرگ امامیه و اصحاب مورد اعتماد امام کاظم و امام رضا (علیهم السلام) است (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۶: ۴۴۶) عبد الله بن سنان از اصحاب امام صادق (علیه السلام) و مورد اعتماد است (ر.ک؛ همان، ۱۴۱۶: ۲۱۴).

بنابر این تمام راویان سند به جز حسن بن احمد مالکی توثیق شده‌اند و حسن بن احمد نیز هر چند توثیق صریح ندارد اما نه تنها تضعیف نشده است بلکه نشانه‌هایی برای اطمینان به او وجود دارد.

۲-۲-۱. روایت سوم

قاضی نعمان مغربی بدون ذکر سند و با متنی که اندکی تفاوت با متن تفسیر ابن جحام دارد همین ماجرا را نقل کرده است (ر.ک؛ قاضی نعمان مغربی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۴۰).^۱

۲-۲-۲. روایت چهارم

ابن شهر آشوب نیز آن را نقل کرده و شعری از سید حمیری^۲ را ناظر به این واقعه گزارش کرده است (ر.ک؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۲: ۲۳۸).

۲-۲-۳. روایت پنجم

در تفسیر قمی (حوالی ۳۲۹ق) نیز چنین آمده است: قال «لما أخبرهم رسول الله صلى الله عليه وآله بفضل أمير المؤمنين (ع) قالوا هو مجنون فقال الله سبحانه (وما هو) يعني أمير المؤمنين (ع) (إلا ذكر للعالمين)؛ وقتی رسول خدا مردم را به برتری امیر مومنان آگاه کرد گفتند او مجنون است. پس خداوند سبحان فرمود (او نیست)، یعنی امیرالمومنین (جز ذکر برای جهانیان) (ر.ک؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۸۳).

۳. روایات شأن نزول سایر آیات سوره قلم

علاوه بر روایاتی که گذشت در تعدادی از روایات هم به نزول آیاتی از سوره قلم در ارتباط با این موضوع اشاره شده است.

الف. فرات بن ابراهیم کوفی (م ۳۵۲ق) در تفسیر خود ماجرای نزول آیاتی از سوره قلم درباره اعلام ولایت امام علی (علیه السلام) را با متن و سندی متفاوت گزارش کرده است.

۱. با توجه به روایت ص ۲۳۰ احتمال اینکه این روایت از کتاب طبری درباره غدیر نقل شده باشد وجود دارد.

۲. قال الحمیری:

فقال ألا من كنت مولاه منكم * فمولاه من بعدى على فاذعنوا

فقال شقى منهم لقرينه * وكم من شقى يستزل ويفتن

يمد بضبعه عليا وانه * لما بالذى لم يؤته لمزين

كأن لم يكن فى قلبه ثقّة به * فيا عجبا انى ومن أن يوقن

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۱۹۳

امام باقر (علیه السلام) فرمود: جبرئیل روز جمعه در عرفات بر پیامبر نازل شد و فرمود: ای محمد خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌گوید به امت بگو: (الیوم أكملت لکم دینکم وأتممت علیکم نعمتی امروز دینتان را برای شما کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم) با ولایت علی بن ابی طالب (علیه السلام) سپس کلامی طولانی فرمود. پس بعضی از منافقین به بعضی دیگر گفتند: آیا می‌بینید که چشمانش می‌چرخد؟ منظورشان پیامبر بود، گویا مجنون است و فریفته پسر عمویش شده است (درباره پسر عمویش دچار فتنه شده است) او را چه شده بازویش را بالا می‌برد اگر می‌توانست او را مثل کسری و قیصر کند چنین می‌کرد. پس پیامبر فرمود: بسم الله الرحمن الرحیم. مردم دانستند که قرآن بر او نازل شده است پس ساکت شدند و او خواند: (ن والقلم وما یسطرون ما أنت بنعمه ربک بمجنون؛ نون، سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند که تو به لطف پروردگارت دیوانه نیستی) منظورش کسانی از منافقین بود که چنین گفته بودند (وإن لک لأجرا غیر ممنون؛ و بی گمان تو را پاداشی بی منت خواهد بود) به خاطر تبلیغ آنچه به تو درباره علی رسیده بود (وإنک لعلی خلق عظیم فستبصر ویبصرون بأیکم المفتون؛ راستی که تو را خوبی والاست به زودی خواهی دید و خواهند دید که کدام یک از شما دستخوش جنونید) فرمود: و این گونه نازل شد و حدیث را ذکر کرد (ر.ک؛ فرات الکوفی، ۱۴۱۰: ۴۹۷).

این روایت با روایات قبلی اندکی تفاوت دارد از جمله اینکه درباره نزول آیات ابتدایی سوره قلم است اما عبارات انتهای متن به گونه‌ای است که احتمال حذف بخشی از روایت وجود دارد «قال: وهکذا نزلت و ذکر الحدیث» بر این اساس ممکن است اشاره به نزول کل سوره قلم داشته باشد که راوی تنها تعدادی از آیات ابتدایی را نقل کرده است. دیگر اینکه این روایت نزول آیات تبلیغ را مربوط به عرفات می‌داند و نه غدیر خم. علاوه بر این روایات دیگری نیز نزول این آیه را در عرفات دانسته‌اند و بنا بر روایات جبرئیل چندین بار درباره ابلاغ ولایت امام علی (علیه السلام) بر پیامبر نازل شد (ر.ک؛ بخاری، ۱۴۰۱ق: ج ۱: ۱۶؛ مسلم، بی تا، ج ۸: ۲۳۸) از دیدگاه دانشمندان علوم قرآنی تعدد شأن نزول و تکرار نزول امری محتمل است و درباره؛ برخی از آیات قرآن مطرح شده است

(ر.ک؛ زرکشی، ۱۳۷۶ق، ج ۱: ۲۹-۳۲) پیامبر در ایام حج هم مطالبی درباره فضایل امام بیان کردند اما ابلاغ رسمی ولایت امام علی و بیعت گرفتن از مردم در غدیر خم اتفاق افتاد (ر.ک؛ حسینی عاملی، ۱۴۲۵، ج ۱: ۱۸۸) از سویی عبارت روایت به گونه‌ای است که می‌تواند مربوط به دو مکان باشد یعنی در بخش ابتدایی اشاره به دستور جبرئیل دارد که در عرفات بوده و بخش دوم مربوط به بالا بردن دست امیرمومنان است که در غدیر خم اتفاق افتاد و سخنان منافقان هم در این زمان نقل شد. اما ارتباط این روایت با روایات قبل کاملاً آشکار است. در هر دو بعد از معرفی امام علی (ع) و ابلاغ پیام ولایت ایشان منافقان و مخالفان پیامبر را متهم به جنون می‌کنند و چشمان ایشان را به چشمان مجنونان تشبیه می‌کنند و آیات سوره قلم این اتهام را از پیامبر دور می‌کند.

۳-۱. سند روایت

فرات قال: حدثنا علي بن محمد بن مخلد الجعفي (معنعنا) عن طاوس عن أبيه! قال: سمعت محمد بن علي (عليهما السلام) يقول:.....

الف) فرات بن ابراهیم بن فرات کوفی صاحب تفسیر است. رجالیان متقدم از او نام نبرده‌اند اما برخی رجالیان متأخرین با توجه به نقلیات او و اعتماد علمای شیعه و نقل روایاتش به او اعتماد کرده‌اند. او معاصر پدر شیخ صدوق بوده است و با توجه به تاریخ وفات اساتیدش می‌توان گفت در عصر غیبت صغری می‌زیسته است (نمازی، ۱۴۱۲، ج ۶: ۱۹۴؛ خویی، ۱۴۱۳، ج ۱۴: صص ۲۷۱-۲۷۲).

در سند روایت افتادگی وجود دارد و نام برخی از راویان ذکر نشده است بنا بر این روایت از نظر سندی ضعیف است. اما محتوای حدیث در روایات دیگر ذکر شده است از جمله نزول آیه اکمال دین در عرفات در منابع شیعی و سنی آمده است (ر.ک؛ عیاشی، بی تا، ج ۱: ۲۹۳؛ بیهقی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۶).

حاکم حسکانی اشاره‌ای به این روایت دارد اما مشخص نیست از چه منبعی نقل کرده است (ر.ک؛ حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۳۶۰).

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۱۹۵

ب) شرف الدین عاملی از تفسیر ابن حجام از ابویوب انصاری روایت کرده که وقتی پیامبر (ص) دست علی (ع) را بالا برد و فرمود «من كنت مولاة فعلى مولاة» مردم گفتند «إنما افتتن باین عمه» در این حال نازل شد (فستبصر و يبصرون بأیکم المفتون) (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۱۶۵-۱۶۶).

ج) شیخ کلینی با سند خود از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده که فرمود: (هنگامی) عمر به علی علیه السلام برخورد کرد و به او گفت: توئی که این آیه را می خوانی: «بِأَيِّكُمْ الْمُفْتُونُ» یعنی به کدامیک از شما جنون است «(قلم: ۶) و بمن و رفیقم (ابوبک) تعریض می کنی (و ما را منظور این آیه می دانی)؟ حضرت به او فرمود: آیا به تو خبر ندهم از آیه - ای که در باره بنی امیه نازل گشته که خدا فرماید: (فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ؟ چنین توانید بود که اگر کاری را سرپرستی کنید در زمین تباهی کنید و ارتباط خویشاوندیتان را ببرید) (محمد: ۲۲). عمر گفت: دروغ گفتی، بنی امیه پیوند خویشاوندی را بهتر از تو مراعات کنند ولی تو می خواهی همچنان به دشمنی خود با تیره بنی تیم (تیره ابو بکر) و بنی عدی (تیره عمر) و بنی امیه ادامه بدی (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۱۴۹).

علی بن ابراهیم قمی نیز این روایت را با سندی متفاوت گزارش کرده است (ر.ک؛ قمی، ۱۴۰۴، ج ۲: ۳۰۸ و ۳۸۰).

د) حاکم حسکانی از ضحاک بن مزاحم نقل کرده که وقتی قریش دیدند پیامبر علی (علیه السلام) را بر آنها مقدم می دارد و او را تکریم می کند، شکوه کردند و گفتند پیامبر فریفته شده است خداوند چنین نازل کرد: (ن والقلم وما یسطرون) (هذا) قسم أقسم الله به، (ما أنت) یا محمد (به نعمه ربک بمجنون، وإنک لعلی خلق عظیم) یعنی القرآن (وساق الکلام) إلی قوله: (إن ربک هو أعلم) بمن ضلّ عن سبيله و هم النفر الذین قالوا ما قالوا (وهو أعلم بالمهتدین) (یعنی) علی بن ابی طالب (ر.ک؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱، ج ۲: ۳۵۹).

ه) روایات متعددی در منابع روایی در تأیید گزارش‌های بالا آمده است از جمله اینکه شیخ کلینی در روضه کافی از امام باقر (علیه‌السلام) روایت کرده است که وقتی در غدیر خم پیامبر دست امام علی را بالا برد ابلیس فریاد کشید و گفت اگر این کار تمام شود خدا معصیت نمی‌شود اما وقتی شنید که منافقین می‌گویند او از روی هوای نفس چنین کرده و یکی از آن دو به رفیقش گفت آیا نمی‌بینی که چشمانش چگونه می‌چرخد گویا او مجنون است، شیطان فریادی از روی شادی کشید..... (ر.ک؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱: ۳۴۴-۳۴۵، ح ۵۴۲، بخشی از حدیث ۵۴۱ هم این مضمون را تأیید و تکمیل می‌کند) قاضی نعمان مغربی نیز روایتی در تأیید این مضمون گزارش کرده است (ر.ک؛ قاضی نعمان مغربی، ۱۴۱۴، ج ۱: ۲۳۶).

ممکن است این سوال مطرح شود که پذیرش این شأن نزول برای آیه با مکی بودن سوره هم خوانی ندارد. در پاسخ باید گفت: اولاً: مکی یا مدنی بودن سوره‌ها بر اساس خبرهای واحد بیان شده و قطعی نیست. ثانیاً: وجود آیات مکی در سوره‌های مدنی مشکلی ایجاد نمی‌کند. ثالثاً: بر اساس این شأن نزول، آیات مورد اشاره در مکه یا در فاصله بین مکه و مدینه نازل شده و بر این اساس با مکی بودن سوره هم منافات نخواهد داشت چون یکی از معانی مکی یا مدنی بودن سوره نزول سوره در مکه یا مدینه است (ر.ک؛ سیوطی، ۱۴۱۶، ج ۱: ۳۵).

۴. روایات شأن نزول آیه «وَإِنْ يَكَادُ» در منابع اهل سنت

واحدی در اسباب النزول نقل کرده آیه «وَإِنْ يَكَادُ» زمانی نازل شد که قریش می‌خواستند پیامبر را چشم بزنند. سپس از کلبی نقل می‌کند که در بین بنی اسد افرادی وجود داشت که دیگران را چشم می‌زدند تا جایی که وقتی گاو یا شتر فربه‌ای را می‌دیدند آن را چشم می‌زدند. شخصی بود که سه روز چیزی نمی‌خورد و هنگامی که به گله شتران نگاه می‌کرد می‌گفت امروز زیباتر از این گله ندیده‌ام و با فاصله کمی تعدادی از آنها می‌مردند. کفار از این شخص خواستند که پیامبر را چشم بزند ولی خداوند ایشان را حفظ کرد و این آیه نازل

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۱۹۷

شد (ر.ک؛ بغوی، بی تا، ج ۴: ۳۸۴؛ واحدی النیسابوری، ۱۳۸۸: ۲۹۴). ثعلبی در نقل این قول کلبی می نویسد آن شخص پیشنهاد کفار را پذیرفت و چنین سرود:

قد كان قومك يحسونك سيداً وأخال أنك سيد معيون (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۲۳).

مفسران دیگری که شأن نزول آیه را این واقعه می دانند به همین قول کلبی استناد کرده اند. این قول بعداً وارد تفاسیر شیعه نیز شد (ر.ک؛ رازی، ۱۳۷۱، ج ۱۹: ۶۹؛ طبرسی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۶۲۰) این شأن نزول با تفاسیری که آیه را مربوط به چشم زخم می دانند هماهنگی دارد اما در این باره چند نکته لازم به یاد آوری است.

الف) گزارش نقل شده از کلبی بدون سند است.

ب) کلبی نقل کرده که این شعر را عباس بن مرداس وقتی درباره مالکیت منطقه ای با مخالفانش که از بنی امیه بودند بحث می کرد سرود (ر.ک؛ ابن عساکر دمشقی، ۱۴۱۵، ج ۲۶: ۴۲۸؛ ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ج ۶: ۵۲۲؛ بغدادی، ۱۴۰۵: ۱۴۱).

ج) این روایت معارض روایتی است که شیعیان نقل کرده اند.

د) جبائی و قشیری با این نظر مخالفت کرده اند از جمله دلایل آنها این است که چشم زدن هنگامی است که شخص از روی تعجب و شگفتی از چیزی خوشش بیاید و به آن نگاه کند و نه از روی بغض و کینه و نفرت (ر.ک؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۸: ۲۵۶) در روایت کلبی هم تصریح شده که این شخص وقتی از چیزی خیلی خوشش می آمد آن را چشم می زد و برای اینکه شتران و گوسفندان فربه در نظرش زیباتر بیایند گرسنگی را تحمل می کرد تا با دیدن آنها تمایل بیشتری به خوردن گوشتشان داشته باشد تا چشمش در آنها اثر کند در حالی که در این آیه به دشمنی و کینه مخالفان اشاره شده است.

ه) از کلبی نقل شده که درباره معنای «لِيزْلِقُونَكَ» گفته «يصرعونك وعنه أيضا والسدى وسعيد بن جبیر: يصرفونك عما أنت عليه من تبليغ الرسالة» یعنی دو قول به او منتسب است یکی اینکه می خواهند تو را به زمین بزنند یا اینکه می خواهند تو را از تبليغ رسالت باز دارند (همان).

و) محمد بن سائب کلبی، نسب شناس و صاحب تفسیر در سال ۱۴۰ یا ۱۴۶ ق درگذشت. رجالیان اهل سنت او را به شدت تضعیف کرده‌اند (ر.ک؛ ابن حبان بستی، بی تا، ج ۲: ص ۲۵۳-۲۵۶). فرزندش هشام کلبی نیز در سال ۲۰۴ یا ۲۰۶ ق درگذشته است (ر.ک؛ خطیب بغدادی، ۱۴۱۷، ج ۱۴: ۶۴؛ نمازی شاهرودی، ۱۴۱۲، ج ۸: ۱۵۹) وی در زمره صحابه نیست و پذیرش نقل شان نزول آیه از شخصی که فاصله زیادی با عصر نزول دارد و واسطه خودش تا عصر پیامبر را نقل نکرده صحیح نیست.

ز) مفسران و محدثان صحابه چنین ماجرای را نقل نکرده‌اند در صورتی که انگیزه نقل آن بسیار بوده است.

ح) به نظر می‌رسد این داستان با فاصله بسیاری و در عصر کلبی یا حتی بعد از آن دوره و به اسم او بر ساخته شده است و از آن زمان به بعد در منابع تفسیری راه یافته است و به همین دلیل در منابع حدیثی اهل سنت به آن پرداخته نشده است.

ط) بسیاری از مفسران اعتقادی به این شأن نزول نداشته‌اند و به همین دلیل هنگام نقل آن با عبارت «قیل» و عباراتی شبیه آن به نقل آن پرداخته‌اند (ر.ک؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۴۸؛ فضل بن حسن، طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۱۰۰؛ طوسی، ۱۲۰۹، ج ۱۰: ۹۱؛ فخر رازی، بی تا، ج ۳۰: ۱۰۰). از زجاج نقل شده که عرب‌ها برای چشم زدن کسی سه روز غذا نمی‌خوردند. اما اینکه این شیوه را درباره پیامبر به کار بسته باشند را نقل نکرده است (ر.ک؛ ابن عطیه اندلسی، ۱۴۱۳، ج ۵: ۳۵۵). تنها در تفسیر ابو حیان اندلسی (۷۴۵ق) آمده که: قال قتاده: نزلت لدفع العين حين أرادوا أن يعينوه (عليه الصلاة والسلام) (ر.ک؛ ابو حیان اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۳۱۱) بقیه مفسران این قول را از قتاده نقل نکرده‌اند.

بنا بر آنچه گذشت دلیل محکمی برای پذیرش این شأن نزول برای آیه وجود ندارد و روایات شیعی درباره شأن نزول آیه استحکام و اعتبار بیشتری دارند. با این وصف سیاق سوره قلم و آیات پایانی آن به سیاق سوره های مکی در دفاع از اصل توحید و نبوت و گزارش مخالفت های مشرکان و نسبت جنون به رسول اکرم (ص) است (به عنوان نمونه مقایسه شود با سوره حجر آیات ۶-۱۵). در این صورت چنانچه در تعارض سیاق آیات با

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۱۹۹

روایات شان نزول اصل را بر سیاق قرار دهیم باید روایات شیعی را تأویل کنیم اما همچنان دلیل محکمی برای پذیرش روایت بدون سند کلبی نداریم.

۵. تفسیر آیه

در تفسیر این آیه چند نظر مطرح شده است.

۵-۱. دلالت آیه بر تأثیر چشم زخم

علامه طباطبائی می‌نویسد:

کلمه «زلق» به معنای زلل و لغزش است، و «ازلاق» به معنای ازلال، یعنی صرع است، و کنایه است از کشتن و هلاک کردن. و معنای آیه این است که: محققا آنها که کافر شدند وقتی قرآن را شنیدند نزدیک بود با چشمهای خود تو را به زمین بیندازند، یعنی با چشم زخم خود تو را بکشند. و مراد از این «ازلاق به ابصار» - به طوری که همه مفسرین گفته‌اند - چشم زدن است، که خود نوعی از تاثیرات نفسانی است و دلیلی عقلی بر نفی آن نداریم، بلکه حوادثی دیده شده که با چشم زدن منطبق هست، و روایاتی هم بر طبق آن وارد شده، و با این حال علت ندارد که ما آن را انکار نموده بگوییم یک عقیده خرافی است (ر.ک؛ طباطبائی، بی تا، ج ۱۹: ۳۸۸؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۹: ۶۴۸).

این نظر مشهورترین نظر در بین مفسران شیعه و سنی است (ر.ک؛ فخر رازی، بی تا، ج ۳۰: ۱۰۰) مفسران صحابه و تابعین مانند ابن عباس، قتاده، مجاهد، ضحاک و... «لینفذونک» را به «لینفذونک؛ در تو نفوذ کنند و اثر بگذارند» یا «لینفذونک؛ تو را هلاک کنند» معنا کرده‌اند ولی اشاره‌ای به قول پیامبر (ص) در این باره نشده است و روایتی از پیامبر (ص) درباره تفسیر این آیه نقل نشده است (ر.ک؛ سیوطی، بی تا، ج ۶: ۲۵۸؛ طبری، ۱۴۱۵، ج ۲۰: صص ۵۶ - ۵۷). بهاء الدین خرمشاهی نیز ضمن پذیرش دلالت آیه به چشم زخم و پس از نقل شان نزول نقل شده از منابع اهل سنت، آن را نشانه تأثیر فرهنگ زمانه بر قرآن دانسته است (ر.ک؛ خرمشاهی، ۱۳۷۴: ۹۶).

۵-۲. نگاه از روی خشم و دشمنی

بعضی از مفسرین گفته‌اند: معنای آیه این است که وقتی قرآن را از تو می شنوند با نظری سرشار از کینه و خشم به تو نظر می کنند، به طوری که می خواهند با همان نگاه تیزشان تو را بکشند (ر.ک؛ طباطبائی، بی تا، ج ۱۹: ۳۸۸) فخر رازی نیز این دیدگاه را گزارش کرده است (ر.ک؛ فخر رازی، بی تا: ج ۳۰: ۱۰۰) جبائی چشم زخم را صحیح نمی داند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۱۰۰) همچنین می گوید چشم زخم به فرض پذیرش هنگامی رخ می دهد که نگاه همراه با شگفتی از خوبی چیزی باشد نه از روی کینه و نفرت (ر.ک؛ طوسی، ۱۲۰۹، ج ۱۰: ۹۱) این دیدگاه را به قشیری هم نسبت داده‌اند (ر.ک؛ اندلسی، ۱۴۲۲، ج ۸: ۳۱۱؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۸: ۲۵۶) زجاج (۳۱۱ ق) هم این تفسیر را ارائه کرده است.^۱ (ر.ک؛ شوکانی، بی تا، ج ۵: ۲۷۷). ابن قتیبه دینه وری نیز نظر فراء درباره تفسیر این آیه به چشم زخم را رد می کند و نگاه با خشم و کینه را می پذیرد و می نویسد منظور این است که آنها از روی خشم و عصبانیت به تو می نگرینتند، نگاهی که نزدیک بود از شدت ناراحتی تو را از جای بلغزاند و به زمین اندازد. او سپس به شعری استناد کرده که برای بیان شدت خشم و نفرت موجود در نگاه، بیان شده او با نگاهش می خواست پاهایت را بلغزاند و تو را به زمین بزند. او سپس برخی از کاربردهای شبیه به این را در زبان عربی مثال می زند و می گوید:

عرب‌ها می گویند با غضب به من نگاه کرد یا با گوشه چشمانش به من نگریست یا با چشم کاملاً باز که حدقه اش بیرون زده بود به من نگاه کرد و در همه این موارد منظور نگاه از روی خشم، غضب و نفرت است یا تعبیر قرآن «يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ» چون کسی که در آستانه مرگ قرار دارد چشمانش را کاملاً باز کرده و می نگرد و با گوشه چشم نگاه نمی کند (ر.ک؛ دینه وری، بی تا: ۳۱۸).

۱. إِنَّهُمْ مِنْ شِدَّةِ أَبْغَاظِهِمْ وَعِدَاوَتِهِمْ يَكَادُونَ يَنْظُرُوا نَظَرَ الْبَغْضَاءِ أَنْ يَصْرَعَوْكَ.

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۲۰۱

برخی از مفسران شیعه و سنی این نظر را مطرح کرده‌اند (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۲۴: ۱۰؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۴۸؛ فخر رازی، بی تا، ج ۳۰: ۱۰۰؛ مغنیه، ۱۴۰۳، ج ۱: ۷۶).

تفاسیر روایی شیعه، غیر از روایتی که در شان نزول آیه وارد شده است، روایتی در تفسیر این آیه ذکر نکرده‌اند (ر.ک؛ حویزی، ۱۴۱۲، ج ۵: ۳۹۹؛ بحرانی، بی تا، ج ۵: ۴۶۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۵: ۲۱۶؛ قمی مشهدی، ۱۴۰۷، ج ۱۳: ۳۹۵) به نظر می‌رسد شأن نزلی که در منابع اهل سنت بیان شده باعث شده مفسرین بر اساس آن در تفسیر آیه به چشم زخم نظر داشته باشند و این تفسیر در بین مفسران شایع شده است. با توجه به آنچه گذشت شان نزول نقل شده در منابع اهل سنت معتبر نیست از این رو در تفسیر آیه نیز لازم است تجدید نظر شود. محمد هادی معرفت با نفی دیدگاه مربوط به چشم زخم در تفسیر این آیه چنین می‌نویسد: زلق، یعنی لغزش، و ازلقه یعنی او را از جای خود لغزانند و دور کرد. مزلق نیز یعنی جایی که بر آن استقرار نتوان داشت و همواره لرزان است. ازلاق با چشم نیز یعنی با نگاه پُر و تیز به کسی تند و خشمگینانه نگرستن، به گونه‌ای که وحشت آفریند و او را به عقب نشینی از سر ترس وا دارد. «إِنْ» نیز در آیه مخفّف «إِنَّ» است، یعنی نزدیک بود تو را از موضعی که داشتی با شدت خشم و ترس و وحشتی که در نگاه تند و تیز و خشمگینانه شان به تو بود بلغزانند. یعنی آنها به دلیل شدت کینه و دشمنی شان با نگاهی از گوشه چشم و آکنده از خشم چنان می‌نگرند که نزدیک است وقتی آیات را می‌خوانی و بت‌هاشان را به یک سو می‌فکنی تو را از پا در افکنند و ساقط کنند، [۳] و این همانند آیه دیگری است که فرمود: «وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفِزُّوكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا» (اسراء: ۷۶). نزدیک بود تو را از سرزمین [خود، مکه] بلغزانند و بیرون کنند. نگاه‌های تند و چپ‌چپ آنها نزدیک بود پیامبر را از موضع استوارش متزلزل سازد تا در نتیجه در افتاده بلغزد و توازن و ثبات حرکت خویش را از دست دهد، و این تعبیری بسیار رسا و بلند است که به هنگام شنیدن آیات قرآن عمق کینه و خشم و شرارت آنان و عقده‌های نهفته در آن نگاه‌ها

را می‌رساند؛ نگاه‌هایی مسموم و آتشین همراه با اظهارات زشت و دشنام‌ها و افتراهایی بی‌رحمانه؛ «وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ» (معرفت، ۱۳۸۵: ۲۸۱-۲۸۲).

ایشان در ادامه به دیدگاه جبائی و زجاج در تایید این تفسیر نیز اشاره کرده‌اند. شاید بتوان قول منتسب به امام صادق (ع) که در برخی منابع اهل سنت آمده است را مطابق با این تفسیر دانست. ثعلبی (۴۲۷ق) و به تبعیت از او قرطبی (۶۷۱ق) از امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده‌اند که «لیزلقونک» به معنای «لیاکلونک» است.^۱ (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۲۴؛ قرطبی، ۱۴۰۵، ج ۱۸: ۲۵۶) یعنی چنان از روی خشم به تو می‌نگریستند که اگر می‌توانستند می‌خواستند تو را بخورند و از بین ببرند.

از سویی در عرف عرب درباره چشم زدن کسی از تعابیر مختلفی استفاده شده است که از ریشه «اصابه به عین» گرفته شده‌اند. مجموعه‌ای از روایات و اقوال مربوط در بحارالانوار (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲: ۱۳۲ و ۱۳۳) و تفسیر مفاتیح‌الغیب رازی (فخر رازی، بی‌تا، ج ۳۰: ۱۰۰) آمده است که در آنها این تعبیر استفاده نشده است. کاربرد از لاق به ابصار در عرف عرب برای چشم زخم استفاده نشده است جز در مواردی که از همین آیه گرفته شده است.

زمخشری می‌نویسد:

یعنی أَنَّهُمْ مِنْ شِدَّةِ تَحْدِيقِهِمْ وَنَظَرِهِمْ إِلَيْكَ شَزْرًا يُعْيُونَ الْعِدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ يَكَادُونَ يَزْلُونَ قَدَمَكَ أَوْ يَهْلِكُونَكَ، مِنْ قَوْلِهِمْ نَظَرَ إِلَى يَكَادُ يُصْرَعُنِي وَيَكَادُ يَا كُنْتِي: أَي لَوْ أَمَكْنَةُ بَنَظَرِهِ الصَّرْعَ أَوْ الْأَكْلَ لَفَعَلَهُ، منظور این است که آنها به وسیله شدت نگاه تند و تیز با چشمانی آکنده از خشم و بغض کم مانده بود تو را از جای بلغزانند یا هلاک کنند. این تعبیر از قول عرب سرچشمه گرفته است که می‌گویند: به من نگاه کرد به گونه‌ای که نزدیک بود مرا به زمین زند و نزدیک بود مرا بخورد، یعنی اگر می‌توانست با نگاهش مرا به زمین بزند و نابود کند یا بخورد و از بین ببرد حتما این کار را می‌کرد (ر.ک؛ زمخشری، ج ۴: ۱۴۷).

۱. عبارات ثعلبی و قرطبی در این زمینه یکسان است. قال جعفرالصادق: لياكلونك.

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۲۰۳

صاحب التحقیق فی کلمات القرآن نیز پس از اشاره به اینکه اصل ریشه (زل ق) دلالت بر لغزیدن چیزی از جایش دارد به کاربردهای آن در عرف عرب اشاره کرده و می- نویسد: وَأَمَّا لِيُزَلُّونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ: فَحَقِيقَةُ مَعْنَاهُ أَنَّهُ مِنْ حِدَّةِ النَّظَرِ حَسَدًا يَكَادُونَ يُنَحَّوْنَكَ عَنِ مَكَانِكَ.

حقیقت معنای عبارت «لِيُزَلُّونَكَ بِأَبْصَارِهِمْ» این است که آنها از شدت نگاه حسودانه خود نزدیک بود تو را از مکان و جایگاهت تکان داده و ساقط کنند (ر.ک؛ مصطفوی، ج ۴: ۳۴۴؛ همان: ۳۴۵).

روایت اهل سنت درباره شان نزول آیه با تفسیر اول سازگارتر است و با توجه به گسترش آن در منابع تفسیری متقدم در نوع تفسیر از آیه هم موثر افتاده است اما با توجه به ضعف‌های موجود در آن، پذیرش آن دشوار است از سویی روایات شیعی درباره شان نزول آیات با تفسیر دوم سازگارتر است. تفسیر دوم با ادبیات عرب نیز تناسب دارد بر این اساس شواهد کافی برای پذیرش آن وجود دارد. چنان که عزیزالله خوشوقت می‌گوید:

پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) وقتی آیاتی را که درباره ذمّ بت پرست و بت نازل می‌شد می‌خواندند کفار سخت ناراحت می‌شدند. بدشان می‌آمد، کاری هم نمی‌توانستند بکنند، فقط یک جوری نگاه می‌کردند که اگر می‌توانستند با نگاه پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را بکشند، می‌کشتند. این آیه «وَإِنْ يَكَادُ» معنایش این است؛ معنایش چشم زخم نیست. (خوشوقت، عزیزالله، مرکز نشر آثار آیت الله خوشوقت، بخش صراط مستقیم، ترجمه و شرح یک آیه (گناهان پیامبر) (<http://www.sahebeamr.org>).

۶. تأثیر آیه در دفع چشم زخم

یکی از موارد استفاده از این آیه، استفاده به عنوان تعویذی در برابر چشم زخم است. حال باید دید آیا این عمل مستند قرآنی یا روایی دارد؟

۶-۱. روایات شیعی

مکارم الاخلاق بدون ذکر منبع یا هر توضیح دیگری این آیه را برای رفع چشم درد (ونه

چشم زخم) نقل کرده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۹۲: ۳۹۵).

کفعمی در مصباح به نقل از امام حسن (ع) خواندن این آیه را برای چشم زخم موثر می‌داند و می‌نویسد: «وَفِي جَوَامِعِ الْجَامِعِ عَنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَوَاءُ الْإِصَابَةِ بِالْعَيْنِ أَنْ يُقْرَأَ وَإِنْ يَكَادُ... لِلْعَالَمِينَ» (کفعمی، ۱۴۰۳: ۲۲۱).

به تبعیت از او عبدالله صالحی نجف آبادی در فضائل القرآن این دستور را به امام حسن (ع) منتسب کرده است (ر.ک؛ نجف آبادی، بی تا، ج ۱: ۴۹۹ و ج ۳: ۱۳ و ۷۶) و جواد قیومی در صحیفه الحسن (ر.ک؛ قیومی، ۱۳۷۵: ۹۰) این روایت را به عنوان تعویذی از امام حسن (علیه السلام) برای چشم زخم بیان کرده است. با این حال علامه مجلسی عبارت را به صورت «قال الحسن» بدون «علیه السلام» از کتاب جامع الاخبار و جوامع طبرسی آورده است (ر.ک؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۲: ۱۳۲ و ۱۳۳) کفعمی گزارش خود را به استناد جوامع الجامع طبرسی آورده است. با مراجعه به منبع اصلی می‌بینیم طبرسی نیز این عبارت را به صورت قال الحسن آورده است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰: ۱۰۱؛ طبرسی، ۱۴۱۸، ج ۳: ۶۲۰). عالمان اهل سنت نیز این گزارش را نقل کرده‌اند (ر.ک؛ بغوی، بی تا، ج ۴: ۳۸۵) و برخی تصریح کرده‌اند که منظور حسن بصری است (ر.ک؛ الزحیلی، ۱۴۲۷، ج ۳: ۲۷۱۹). برداشت اشتباه کفعمی (یا ناسخان کتابش) باعث شده تا قول حسن بصری به عنوان روایتی از امام حسن (ع) وارد فرهنگ حدیثی شیعه شود. شهید مطهری نیز می‌نویسد: ما تا حالا به مدرکی برخورد نکرده‌ایم که دلالت کند و بگوید از این آیه برای چشم زخم استفاده کنید (ر.ک؛ مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۶: ۶۳۲).

۶-۲. روایات اهل سنت

حسن بصری خواندن این آیه را برای دفع چشم زخم موثر می‌دانسته است. وقال الحسن: دواء إصَابَةُ الْعَيْنِ أَنْ يَقْرَأَ الْإِنْسَانُ هَذِهِ الْآيَةَ (ر.ک؛ ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱۰: ۲۴؛ زمخشری، ۱۳۸۵، ج ۴: ۱۴۸). انتساب این قول به حسن بصری ثابت نیست و افرادی مانند طبری که اقوال مفسران صحابه و تابعان را با سند درباره این آیه نقل کرده‌اند اشاره‌ای به قول حسن بصری در این باره نداشته‌اند. به فرض پذیرش انتساب این قول به حسن بصری به نظر

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَأَنْ يَكَادَ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۲۰۵

می‌رسد که با توجه به گزارشی که در این باره ارائه شده و تفسیری که از آیه ارائه می‌شده او این پیشنهاد را مطرح کرده است، چون منبعی که در آن حسن بصری این قول را به پیامبر(ص) و یا حتی صحابه منتسب کرده باشد، یافت نشد. در حالی که پذیرش تفسیر اول از آیه و باور به اینکه به ماجرای چشم زخم اشاره دارد نیز دلیلی برای استفاده از آن به عنوان تعویذ نیست چون در این صورت نیز آیه در صدد گزارش یک ماجراست و حالت دعایی در آن وجود ندارد. بر این اساس وجهی برای استفاده از آیه برای دفع چشم زخم در منابع شیعه و اهل سنت یافت نشد.

بحث و نتیجه‌گیری

روایات معتبر شیعی بیانگر این است که آیه «وَأَنْ يَكَادَ» در ماجرای مربوط به ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین(ع) نازل شده است. روایتی منتسب به کلبی و بدون سند در منابع اهل سنت وارد شده که نزول آیه را مربوط به تلاش مشرکان برای چشم زدن رسول خدا(ص) دانسته‌اند. روایت کلبی باعث شده بیشتر تفاسیر ارائه شده از آیه در ارتباط با چشم زخم صورت گیرد. برخی از مفسران این آیه را بدون ارتباط با چشم زخم دانسته‌اند. هیچ روایتی در منابع شیعه یا اهل سنت درباره مؤثر بودن آیه «وَأَنْ يَكَادَ» برای دفع چشم زخم وارد نشده است. تأثیر آیه و آن یکاد بر چشم زخم تنها مستند به قول منسوب به حسن بصری است. هیچ دلیل معتبر نقلی که ثابت کند خواندن، نصب کردن یا همراه داشتن «وَأَنْ يَكَادَ» باعث دفع اثر چشم زخم می‌شود، یافت نشد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID
Ismail Esbati



<https://orcid.org/0000-0002-5610-1252>

منابع

- قرآن کریم. ترجمه‌های محمد مهدی فولادوند. عبدالمحمد آیتی و محمد کاظم معزی.
ابن بابویه قمی، علی. (۱۴۰۴-۱۳۶۳ش). *الامامه و التبصره من الحیره*. قم: مدرسه امام مهدی.
آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن. (۱۴۰۳ق). *الذریعه إلى تصانیف الشیعه*. بیروت: دارالاضواء.
ابن حبان بستی، محمد. (بی تا). *کتاب المجروحین*. (ویرایش تحقیق: محمود ابراهیم زاید). بی جا: بی نا.
ابن شهر آشوب، محمد بن علی. (۱۳۷۶). *مناقب آل ابی طالب*. نجف: مطبعه الحیدریه.
ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۱۳). *المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابن قتیبه دینه وری، عبد الله بن مسلم. (بی تا). *تأویل مختلف الحدیث*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف. (۱۴۲۲). *تفسیر البحر المحیط*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۳۷۱). *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
الزحلی، (معاصر). وهبه. (۱۴۲۷). *التفسیر الوسیط*. دمشق: دارالفکر.
بخاری، محمد بن اسماعیل. (۱۴۰۱ق). *صحیح البخاری*. بیروت: دارالفکر.
بغوی، حسین بن مسعود. (بی تا). *معالم التنزیل*. بیروت: دارالمعرفه.
بغدادی، محمد بن حبیب. (۱۴۰۵ هـ - ۱۹۸۵ م). *المنطق فی اخبار قریش*. محقق: خورشید احمد فاروق، بیروت: عالم الکتب.
بیهقی، احمد بن حسین. (۱۴۱۰ - ۱۹۹۰ م). *شعب الایمان*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
ثعلبی، احمد بن محمد. (۱۴۲۲). *الکشف و البیان*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله. (۱۴۱۱ - ۱۹۹۰ م). *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
حسینی عاملی، سید بدرالدین بن احمد. (۱۴۲۵ - ۱۳۸۳ش). *الحاشیه علی اصول الکافی*. قم: دارالحدیث.
حویزی، عبد علی بن جمعه. (۱۴۱۲). *تفسیر نور الثقلین*. قم: اسماعیلیان.

- واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَأَن يَكَاد» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۲۰۷
- خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۷۴ش). بازتاب فرهنگ زمانه در قرآن کریم. بیانات. سال دوم. شماره ۵. ص ۹۰-۹۷.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی. (۱۴۱۷). تاریخ بغداد. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۱۳ق). معجم رجال الحدیث. قم: مرکز نشر الثقافه الاسلامیه فی العالم. چاپ پنجم.
- زرکشی، بدرالدین. (۱۳۷۶ق - ۱۹۵۷م). البرهان فی علوم القرآن. قاهره: دار إحياء الكتب العربیه.
- زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۸۵). الکشاف عن حقائق التنزیل وعیون الأقاویل فی وجوه التأویل. قاهره: شرکه الحلبی.
- سیدهاشم بحرانی. (۱۱۰۷ق). هاشم بن سلیمان. (بی تا). البرهان فی تفسیر القرآن. قم: موسسه البعثه.
- سیوطی، جلال‌الدین. (۱۴۱۶). الاتقان فی علوم القرآن. بیروت: دارالفکر.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. (بی تا). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. بیروت: دارالمعرفه.
- شرف‌الدین حسینی استرآبادی، علی. (۱۴۰۷). تأویل الایات الظاهره فی فضائل العتره الطاهره. قم: مدرسه الامام مهدی (عج).
- صالحی نجف آبادی، (معاصر). عبدالله. (بی تا). فضائل القرآن الکریم وخواص سورہ وآیاتہ. قم: مؤلف.
- صدوق، محمد بن علی. (بی تا). من لا یحضره الفقیه (ویرایش نسخه نرم افزار مکتبه اهل البیت (ع)). چاپ سوم. قم: نشر اسلامی.
- _____ . (۱۴۰۴ق). عیون اخبار الرضا علیه السلام. بیروت: اعلمی.
- _____ . (۱۳۶۲ش). کمال‌الدین و تمام النعمه؛ به تصحیح غفاری. علی اکبر؛ قم: انتشارات اسلامی.
- طباطبائی، محمدحسین. (بی تا). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات اسلامی.
- _____ . (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. (ترجمه و ویرایش مترجم: موسوی همدانی، سید محمد باقر). قم: انتشارات اسلامی.
- طبرسی، الحسن بن الفضل بن حسن. (۱۳۹۲). مکارم الأخلاق. قم: منشورات الشریف الرضی.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.

_____ . (۱۴۱۸). تفسیر جوامع الجامع. قم: انتشارات اسلامی.

طبری، محمد بن جریر. (۱۴۱۵). جامع البیان عن تاویل آی القرآن. بیروت: دارالفکر.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۲۰۹). التبیان فی تفسیر القرآن. (ویرایش تحقیق: أحمد حبیب قصیر العاملی). بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

_____ . (۱۳۶۴). تهذیب الاحکام. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

_____ . (۱۴۱۵). الرجال. تحقیق: جواد قیومی. قم: مؤسسه نشر اسلامی.

_____ . (۱۴۱۷ق)، الفهرست. تحقیق: جواد قیومی. نشر الفقاهه.

_____ . (۱۴۰۴ق). اختیار معرفه الرجال. تحقیق: سید مهدی رجائی. قم: مؤسسه آل

البيت (ع).

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۰). منتهی المطلب. مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.

عیاشی، محمد بن مسعود. (بی تا). تفسیر العیاشی. تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی. تهران: کتابخانه علمی اسلامی.

فخر رازی، محمد بن عمر. (بی تا). تفسیر کبیر رازی (مفاتیح الغیب). نسخه نرم افزار مکتبه اهل البيت (ع).

فرات الکوفی، فرات بن ابراهیم. (۱۴۱۰). تفسیر فرات الکوفی. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

فیض کاشانی، محمد بن مرتضی. (۱۴۱۶). تفسیر الصافی. تهران: کتابخانه صدر.

قاضی نعمان مغربی، نعمان بن محمد. (۱۴۱۴). شرح الاخبار فی فضائل الأئمة الأطهار. قم: نشر اسلامی.

قربانی لاکتراشانی، فاطمه و حلیمی جلودار، حبیب الله (۱۳۹۹). «اعتبار سنجی روایت حسن بصری در کار آمدی آیه و ان یکاد در دفع چشم زخم». حدیث پژوهی. بهار و تابستان. صص ۷۵-

قرطبی، محمد بن احمد. (۱۴۰۵). الجامع لاحکام القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَادُ» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۲۰۹

قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا. (۱۴۰۷). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴). تفسیر القمی. قم: دار الکتب.

قیومی (معاصر)، جواد. (۱۳۷۵). صحیفه الحسن. قم: انتشارات اسلامی.

کریمی رکن آباد، اصغر و همکاران. (۱۳۹۴ ش). آسیب‌شناسی پدیده چشم زخم در جامعه اسلامی در پرتو آیات قرآن. کتاب قیم. شماره سیزدهم. صص ۷۳ - ۹۲.

کفعمی، ابراهیم بن علی. (۱۴۰۳). جنه الأمان الواقیه وجهه الايمان الباقیه المشتبه بالمصباح. بیروت: موسسه اعلمی.

کلاتتری، علی اکبر. «بررسی تفسیری ارتباط آیه و ان یکاد و مساله چشم زخم». مطالعات تفسیری. تابستان ۱۳۹۷. صص ۷-۲۴.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۳). الکافی. تصحیح: غفاری. علی اکبر. تهران: اسلامیة.

_____ (۱۳۶۴). الروضه من الکافی. ترجمه: سید هاشم رسولی محلاتی. تهران:

اسلامیه

محمد علی نژاد عمران، روح‌الله. (۱۳۹۹ ش). حقانیت چشم زخم از منظر قرآن. روایات و دانش

پزشکی. (۱۳۹۹ ش). قرآن و طب. دوره ۵. شماره ۳. صص ۴۹ - ۵۸.

مجلسی اول، محمد تقی. (۱۴۱۶). لوامع صاحبقرانی. قم: دارالتفسیر.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار ائمه الاطهار. بیروت: الوفاء.

_____ (۱۴۰۴). مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول. تهران: دار الکتب الاسلامیه.

مطهری، مرتضی. (۱۳۸۹). مجموعه آثار. ج ۲۶. تهران: صدرا.

ملاحسنی، علیرضا. (۱۳۹۰ ش). چشم زخم در قرآن. روایات. تاریخ و فرهنگ. قم: بوستان کتاب.

معرفت، محمد هادی. (۱۳۸۵). نقد شبهات پیرامون قرآن کریم. ترجمه حکیم‌باشی، حسن و

دیگران. قم: التمهید.

نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۱۶). رجال النجاشی. قم: انتشارات اسلامی.

نمازی شاهرودی، علی. (۱۴۱۲). مستدرکات علم رجال الحدیث. تهران: ابن مولف.

نیشابوری، مسلم بن حجاج. (بی‌تا). الجامع الصحیح. بیروت: دارالفکر.

واحدی النیسابوری، علی بن احمد. (۱۳۸۸). اسباب النزول. قاهره: مؤسسه الحلبي و شرکا.

References [In Persian & Arabic]

- Holy Quran*. Translations by Mohammad Mehdi Fouladvand, Abdul-Mohammad Ayati, and Mohammad Kazem Ma'zzi.
- Allameh Hilli, Hasan ibn Yusuf. (2002). *Muntahi al-Matalib*. Mashhad: Majma al-Buhuth al-Islamiyyah. [In Persian]
- Ayyashi, Mohammad ibn Mas'ud. (No date). *Tafsir al-Ayyashi*. Edited by Sayyid Hashim Rasouli Mahallati. Tehran: Ketabkhaneh Elmieh Islami. [In Persian]
- Agha Buzurg Tehrani, Mohammad Mohsen. (1983). *Al-Dhari'ah ila Tasanif al-Shi'ah*. Beirut: Dar al-Adwa. [In Arabic]
- Abu Hayyan Andalusi, Mohammad ibn Yusuf. (2001). *Tafsir al-Bahr al-Muhit*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Abu al-Futuh Razi, Hussein ibn Ali. (1992). *Rawd al-Jinan wa Ruuh al-Jinan fi Tafsir al-Quran*. Mashhad: Bonyad Pazhuhesh-ha-ye Eslami Astan Quds Razavi. [In Persian]
- Al-Zahili, Wahbah. (2006). *Al-Tafsir al-Wasit*. Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Bukhari, Mohammad ibn Ismail. (1981). *Sahih al-Bukhari*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Baghdadi, Mohammad ibn Habib. (1985). *Al-Munmaq fi Akhbar Quraysh*. Edited by Khurshid Ahmed Farooq. Beirut: Alam al-Kutub. [In Arabic]
- Bahawiy, Hussein ibn Mas'ud. (No date). *Ma'alim al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Ma'arif. [In Arabic]
- Beihaqi, Ahmad ibn Husayn. (1990). *Shu'ab al-Iman*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Fakhr al-Razi, Muhammad ibn 'Umar. (No date). *Tafsir Kabir Razi (Ma'fatih al-Ghaib)*. Ahl al-Bayt Software Library edition. [In Persian]
- Farat al-Kufi, Farat ibn Ibrahim. (1990). *Tafsir Farat al-Kufi*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Fayz Kashani, Muhammad ibn Murtadha. (1995). *Tafsir al-Safi*. Tehran: Ketabkhaneh Sadr. [In Persian]
- Ghorbani Laktrashani, Fatemeh and Halimi Jaloudar, Habibullah (2020). Validation of the Narrative of Hasan Basri in the Effectiveness of the Verse 'And it almost bursts with rage' in Healing Eye Injuries. *Hadith Research*. Spring and Summer. pp. 75-98. [In Persian]
- Hakim Haskani, Ubaydullah ibn Abdullah. (1990). *Shawahid al-Tanzil li Qawa'id al-Tafdil*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Husseini Ameli, Sayyid Badr al-Din ibn Ahmad. (2007-2004). *Al-Hashiyah 'ala Usul al-Kafi*. Qom: Dar al-Hadith. [In Persian]
- Hawizi, Abdul Ali ibn Jama'a. (1991). *Tafsir Nur al-Thaqalayn*. Qom: Isma'iliyan. [In Persian]
- Ibn Babawayh Qummi, Ali. (1986-1963). *Al-Imamah wa al-Tabsirah min al-Hayrah*. Qom: Madrese Imam Mahdi. [In Persian]
- Ibn Hibban Basti, Mohammad. (No date). *Kitab al-Majruhin*. (Edited by Mahmoud Ibrahim Zayed). Publisher not available. [In Arabic]

- Ibn Shahr Ashub, Mohammad ibn Ali. (1998). *Manaqib Ali ibn Abi Talib*. Najaf: Matba'at al-Haidariyyah. [In Arabic]
- Ibn Atiyyah Andalusi, Abdul-Haq ibn Ghalib. (1992). *Al-Muharrar al-Wajiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Ibn Qutaybah Dinawari, Abdullah ibn Muslim. (No date). *Ta'wil Mukhtalif al-Hadith*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Khurramshahi, Bahauddin. (1995-1996). *Reflection of Contemporary Culture in the Holy Quran*. Bayanat, Year 2, No. 5, pp. 90-97. [In Persian]
- Khutayyib Baghdadi, Ahmad ibn Ali. (1997). *Tarikh Baghdad*. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah. [In Arabic]
- Khoei, Abul Qasim. (1993). *Mu'jam Rijal al-Hadith*. Qom: Markaz Nashr al-Thaqafah al-Islamiyyah fi al-Alam. [In Persian]
- Karimi Roknabad, Asghar and Colleagues. (2015). An Exegetical Examination of the Relationship between the Verse 'And it almost bursts' and the Issue of Eye Injuries. *Tafsir Studies*. Summer 2018. pp. 7-24. [In Persian]
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1984). *Al-Kafi*. Edited by Ghaffari, Ali Akbar. Tehran: Islamiyyeh. [In Persian]
- _____. (1985). *Al-Rawdah min al-Kafi*. Translated by Sayyid Hashem Rasouli Mahallati. Tehran: Islamiyyeh. [In Persian]
- Mohammad Ali Nezhad Emran, Rouhollah. (2020). "The Authenticity of Eye Injuries from the Quranic Perspective." *Narratives and Medical Knowledge*. Quran and Medicine. Vol. 5, No. 3. pp. 49-58. [In Persian]
- Majlisi Awal, Muhammad Taqi. (1995). *Lu'ama' Sahib al-Qur'ani*. Qom: Dar al-Tafsir. [In Persian]
- Majlisi, Muhammad Baqir. (1982). *Bihar al-Anwar al-Jami'ah li Durar Akhbar A'immat al-Athar*. Beirut: Al-Wafa. [In Arabic]
- _____. (1983). *Mirror al-'Uqul fi Sharh Akhbar Al al-Rasul*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- Motahhari, Murtadha. (2009). *Majmu'ah Asar*. Vol. 26. Tehran: Sadra. [In Persian]
- Mollahasani, Ali Reza. (2011). *Chashm Zakhm dar Quran*. Rawayat, Tarikh va Farhang. Qom: Bustan-e-Ketab. [In Persian]
- Ma'rifat, Mohammad Hadi. (2006). *Naqd Shubuhat Piramun-e-Quran Kareem*. Translated by Hakim Bashi, Hasan et al. Qom: Al-Tamhid. [In Persian]
- Najashi, Ahmad ibn Ali. (1995). *Rijal al-Najashi*. Qom: Nashr Islami. [In Persian]
- Namazi Shahrudi, Ali. (1993). *Mustadrakat 'Ilm Rijal al-Hadith*. Tehran: Ibn Mulaff. [In Persian]
- Nishaburi, Muslim ibn Hajjaj. (No date). *Al-Jami' al-Sahih*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Qadi Nu'man Maghribi, Nu'man ibn Muhammad. (1993). *Sharh al-Akhbar fi Fada'il al-A'immat al-Athar*. Qom: Nashr Islami. [In Persian]
- Qurtubi, Muhammad ibn Ahmad. (1984). *Al-Jami' li Ahkam al-Quran*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Qummi Mashhadi, Muhammad ibn Muhammad Ridha. (1986). *Tafsir Kanz al-Daqaiq wa Bahar al-Gharaib*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]

- Qummi, Ali ibn Ibrahim. (1983). *Tafsir al-Qummi*. Qom: Dar al-Kitab. [In Persian]
- Qayyumi, Javad (Contemporary). (1996). *Sahifeh al-Hasan*. Qom: Islamic Publications. [In Persian]
- Sayyid Hashim Bahraini. (No date). *Hashim ibn Sulayman. Al-Burhan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Mousasah al-Ba'thah. [In Persian]
- Suyuti, Jalal al-Din. (1998). *Al-Itqan fi 'Ulum al-Quran*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Suyuti, Jalal al-Din Abd al-Rahman ibn Abi Bakr. (No date). *Al-Durr al-Manthur fi al-Tafsir bi al-Ma'thur*. Beirut: Dar al-Ma'arif. [In Arabic]
- Sharaf al-Din Husseini Astrabadi, Ali. (1988). *Ta'wil al-Ayat al-Zahirah fi Fada'il al-Atarah al-Tahirah*. Qom: Madrese Imam Mahdi. [In Persian]
- Salehi Najafabadi, Abdullah. (No date). *Fadail al-Quran al-Karim wa Khawass Surah wa Ayatuh*. Qom: Moalef. [In Persian]
- Saduq, Mohammad ibn Ali. (No date). *Man La Yahduruhu al-Faqih (Edited by Ahl al-Bayt Software Library)*. 3rd edition. Qom: Nashr Islami. [In Persian]
- _____. (1983). *Uyun Akhbar al-Ridha 'Alaih al-Salam*. Beirut: A'lami. [In Arabic]
- _____. (1983). *Kamal al-Din wa Tamam al-Ni'mah*; corrected by Ghaffari, Ali Akbar. Qom: Islamic Publications. [In Persian]
- Tabatabai, Mohammad Hussein. (No date). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Qom: Islamic Publications. [In Persian]
- _____. (1995). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran*. Translated and edited by Musavi Hamadani, Sayyid Mohammad Baqir. Qom: Islamic Publications. [In Persian]
- Tabrisi, Al-Hasan ibn Al-Fadl ibn Hasan. (2013 AD). *Makarim al-Akhlaq*. Qom: Manshurat al-Sharif al-Ridha. [In Persian]
- _____. (1996). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran*. Beirut: Mu'assasat al-A'lami li al-Matbuat. [In Arabic]
- _____. (1999). *Tafsir Jawami' al-Jami'*. Qom: Islamic Publications. [In Persian]
- Tabari, Mohammad ibn Jareer. (1996). *Jami' al-Bayan 'an Ta'wil Ayi al-Quran*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
- Tusi, Mohammad ibn Hassan. (1795). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Quran. Edited by Ahmad Habib Qashiri Al-Amili*. Beirut: Dar al-Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- _____. (1986). *Tahdhib al-Ahkam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Persian]
- _____. (1996). *Al-Rijal. Edited by Jawad Qayoumi*. Qom: Mo'asseseh Nashr Islami. [In Persian]
- _____. (1998). *Al-Fihrist*. Edited by Jawad Qayoumi. Nashr al-Fiqhah. [In Persian]
- _____. (2023). *Ikhtiyar Ma'rifat al-Rijal. Edited by Sayyid Mahdi Raja'i*. Qom: Mo'asseseh Al al-Bayt (AS). [In Persian]
- Tha'labi, Ahmad ibn Mohammad. (2001). *Al-Kashf wa al-Bayan*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]

واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَاد» برای دفع چشم زخم؛ اثباتی | ۲۱۳

- Wahidi al-Nisaburi, Ali ibn Ahmad. (2009). *Asbab al-Nuzul*. Cairo: Maktabah al-Halabi wa Shuraka. [In Arabic]
- Zarkashi, Badr al-Din. (1998-1997). *Al-Burhan fi 'Ulum al-Quran*. Cairo: Dar Ihya al-Kutub al-Arabiyyah. [In Arabic]
- Zamakhshari, Mahmoud ibn Omar. (2006). *Al-Kashaf 'an Haqiq al-Tanzil wa 'Uyun al-Aqawil fi Wajuh al-Ta'wil*. Cairo: Sharikah al-Halabi. [In Arabic]

استناد به این مقاله: اثباتی، اسماعیل. (۱۴۰۲). واکاوی مبانی نقلی اعتقاد به تأثیر آیه «وَإِنْ يَكَاد» برای دفع چشم

زخم، فصلنامه علمی پژوهشنامه معارف قرآنی، ۱۴(۵۵)، ۱۸۱-۲۱۳. DOI:

10.22054/rjqk.2023.74934.2851



Quranic Knowledge Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.